

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی



خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۸۴/۰۵/۲۸

تحت قدرت و دنبال‌رو خودش می‌خواهد. اروپایی‌ها در مقابل او نباید تسلیم شوند. ما در فکر یک کار علمی، یک کار اقتصادی و یک کار مطابق مصالح ملی هستیم؛ ملت ما این را می‌خواهند؛ ما هم ایستاده‌ایم.

خدعه‌ی تبلیغاتیِ دوم این است که در اظهارات اروپایی‌ها و روزنامه‌هایشان آمده بود که علیه ایران اجماع جهانی شده است. نه آقا! هیچ اجماع جهانی نیست. در خود اروپا هم دولتهایی که مخالف این روش زورگویی و باج‌گیری هستند، وجود دارند. اجماع جهانی در دنیا علیه تسلیحات اتمی است که امروز مرکزش امریکا و بعضی کشورهای اروپایی است و خطرناک‌ترین‌اش رژیم صهیونیستی است؛ و آلا همه‌ی کشورهایی که آرزو دارند چنین فناوری مستقلی را داشته باشند، طرفدار و پشتیبان ما هستند؛ ملتها و دولتهایشان هم پشتیبان ما هستند. کدام اجماع جهانی؟! نخیر، هیچ اجماع جهانی‌یی نیست. اگر اجماع جهانی هم بود، ملت از حق خودش نمی‌گذشت؛ اما چنین چیزی وجود خارجی ندارد. و بدانند که ان‌شاء... در آینده‌ی نه چندان دوری، ملت و جوانان ما نیروگاه هسته‌یی را هم خودشان خواهند ساخت.

والسلام علیکم ورحمه‌ا... و برکاته

منبع: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

[naeb.blogfa.com](http://naeb.blogfa.com)

بسم...الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و نصلی و نسلم على حبيبه و نجيبة و خيرته في خلقه و حافظ سره و مبلغ رسالته سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداه المهديين المعصومين سيما بقيه... في الارضين و صل على ائمه المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المؤمنين.

همه‌ی برادران و خواهران عزیز و خود را به تقوای الهی، پرهیزگاری و مراقبت از خویشتن دعوت می‌کنم. هم ماه مبارک رجب است و ایام البیض متبرک این ماه، و هم روز بزرگ ولادت امیرالمؤمنین و امام المتقین است. رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت بخشیدن به جان است؛ ماه توسل، خشوع، ذکر، توبه، خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن سیاهی‌ها و تلخی‌ها از جان است. دعای ماه رجب، اعتکاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه وسیله‌ی است برای این که ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و طراوتی ببخشیم؛ سیاهی‌ها، تاریکی‌ها و گرفتاری‌ها را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم. این، فرصت بزرگی است برای ما؛ بخصوص برای کسانی که توفیق پیدا می‌کنند در این ایام اعتکاف کنند؛ که در آخر عرایض این خطبه، ان شاء... جمله‌ی به معتکفین عرض خواهم کرد.

و اما روز سیزدهم رجب، میلاد مسعود امیرالمؤمنین است، که قله‌ی کرامت انسانی است؛ اسوه‌ی همیشگی رادمردان جهان است؛ پیشوای همیشگی مؤمنان و پرهیزگاران و انسانهای صالح و صادق روزگار است. برای این که به لفظ و ظاهر اکتفا نکرده باشیم، بلکه از امروز و از یاد امیرمؤمنان درس گرفته باشیم - که بخصوص امروز ما به آن احتیاج داریم - به طور مختصر در این جا یک درس از درسهای آن بزرگوار را عرض می‌کنم؛ و آن، درس تقواست که اساساً در نماز جمعه بیش از همه چیز به این مطلب باید پرداخته شود.

تقوا، درس جاودانه‌ی امیر مؤمنان است. اگر شما به نهج البلاغه مراجعه بفرمایید، ملاحظه

سیاست ما مذاکره و تفاهم و تقویت اعتماد است؛ اما اعتماد باید از دو طرف تقویت شود. این دو سه کشور اروپایی می‌گویند شما اعتماد سازی کنید - یعنی کاری کنید که ما به شما اعتماد پیدا کنیم - بنده هم به آنها می‌گویم شما هم کاری کنید که ما به شما اعتماد پیدا کنیم. دلیلی ندارد که ایران به شما اعتماد داشته باشد؛ وقتی شما کاری می‌کنید که موجب بی‌اعتمادی است. اگر این طرف اعتمادسازی لازم است، آن طرف هم اعتمادسازی لازم است.

امروز ملت ایران و دولت ایران و مسؤولان ایرانی در خودشان مثل کوه احساس استواری و قدرت می‌کنند. ما از هیچ کس نمی‌ترسیم. ما قدرت و توانایی لازم را برای دفاع از حقوق خودمان همیشه داشته‌ایم و از این حقوق کوتاه نمی‌آییم. کسی حق ندارد حق ملت را در این جا مورد معامله قرار دهد.

اروپایی‌ها نباید با لحن طلبکار حرف بزنند. امروز قرن نوزدهم نیست. ملت ایران ملتی نیست که یک روز اگر رژیم دست‌نشانده‌ی انگلیس و امریکا در این جا سر کار بود، هر چه می‌گفتند، ناچار بود بپذیرد؛ نه، امروز نظام جمهوری اسلامی متکی به هفتاد میلیون جمعیت است. امروز ملت ایران و دولت ایران و مسؤولان ایرانی در خودشان مثل کوه احساس استواری و قدرت می‌کنند. ما از هیچ کس نمی‌ترسیم. ما قدرت و توانایی لازم را برای دفاع از حقوق خودمان همیشه داشته‌ایم و از این حقوق کوتاه نمی‌آییم. کسی حق ندارد حق ملت را در این جا مورد معامله قرار دهد. مسأله‌ی هسته‌ی هم خوشبختانه در کشور ما یک مسأله‌ی جناحی و گروهی نیست؛ یک مسأله‌ی ملی و همگانی است و همه به این موضوع اعتقاد دارند. اروپایی‌ها قدری بیشتر روی ابعاد مسأله فکر کنند؛ بیشتر تعمق و تأمل کنند و تحت تأثیر امریکا و صهیونیست‌ها قرار نگیرند. اروپا توصیه‌ی ما را بشنود و بداند که امریکا و صهیونیست‌ها نه خیر آنها را می‌خواهند، نه خیر ما را. امریکا انحصارطلب است؛ همه‌ی دنیا را

بماند تا اگر آنها یک وقت خواستند سوخت ندهند، شرطی بگذارند و دولت و ملت ایران ناچار باشند دستشان را بالا ببرند و بگویند چاره‌ی نداریم؛ سوخت ما - که برق و امکانات ما وابسته‌ی به آن است - باید از آن طرف بیاید؛ و الا نیروگاه ما خواهد خوابید. ملت ایران باید وابسته بماند؛ آنها این را می‌خواهند.

برای ما مسأله‌ی هسته‌ی، مسأله‌ی علمی و اقتصادی است. در مسأله‌ی هسته‌ی، راهی را که تا الان آمده‌ایم و بحمد... به طور کامل هم موفق بوده‌ایم، اگر بتوانیم در آن پیش برویم و به آخر برسانیم، این یک پیشرفت علمی برای کشور است. جوانان ایرانی در این میدان، مهارت و استعداد و توانایی علمی خودشان را ثابت کرده‌اند؛ این از لحاظ علمی خیلی برای ما باارزش است. از لحاظ اقتصادی هم مقرون به صرفه است. آنها می‌گویند شما از همین نفت و سوخته‌های فسیلی - یعنی منابع تجدیدناپذیر و تمام شدنی - استفاده کنید. این مثل این است که شما بخواهید در باغچه‌ی خودتان سبزی بکارید یا میوه تولید کنید و بفروشید و زندگی‌تان را از آن اداره کنید؛ کسی بگوید نه آقا، شما برو اشیایی که در خانه‌ات هست - آن یادگارهای قدیمی، آن نگین تاریخی، آن فرش زیر پایت - بفروش و بخور.

ما می‌خواهیم منابع تجدیدناپذیرمان برای نسلهای دیگر بماند. این طور نباشد که بیست سال دیگر، بیست و پنج سال دیگر، این کشور نفت نداشته باشد؛ مجبور باشیم نفت خود را از امریکا یا از عوامل امریکا بخریم. ما می‌خواهیم جایگزین نفت داشته باشیم و آن، انرژی هسته‌ی است. آنها می‌گویند نه، نداشته باشید؛ همان نفتتان را مصرف کنید تا تمام شود. اگر می‌خواهید نیروگاه هسته‌ی هم داشته باشید، سوختش را باید از ما بخرید. این حرف زوری است که امروز بخشی از دنیای غرب دارد با ما در میان می‌گذارد. مجرم این قضیه هم باز در درجه‌ی اول امریکاست.

ما تا این لحظه هیچ تعهد بین‌المللی و هیچ تفاهم نامه و موافقت‌نامه‌ی دوجانبه یا چندجانبه را نقض نکرده‌ایم. ما خیلی آرام، منطقی و با مدارا پیش رفته‌ایم. اما از اول گفته‌ایم، الان هم تکرار می‌کنیم که تحمیل، زورگویی و باج‌گیری را ملت ایران از هیچ کس قبول نمی‌کند.

خواهید کرد که هیچ دستورات العمل و توصیه‌ی در این کتاب عظیم به قدر تقوا تکرار نشده است. تقوا در واقع یکی از بلندترین فصول زندگی عملی امیرالمؤمنین و تعالیم زبانی آن بزرگوار است. تقوا یعنی مراقبت از خود. انسان دائم باید مراقب خود باشد؛ هم مراقب اعمال و رفتار خود - یعنی مراقب چشم خود، زبان خود، گوش خود، دست خود - هم مراقب دل خود باشد؛ مراقب عدم نفوذ خصال پست حیوانی، مراقب عدم میل دل به هوی و هوس، مراقب مجذوب و فریفته نشدن دل به جلوه‌های پست کننده‌ی انسان، مراقب حسد نورزیدن، مراقب بدخواه دیگران نبودن، مراقب وسوسه به دل راه ندادن، دل را جایگاه فضایل و ذکر خدا و عشق به اولیای الهی و عشق به انسانها قرار دادن؛ هم تقوای فکر و عقل داشته باشد؛ یعنی عقل را از انحراف نگهداشتن، از خطاها و لغزشها باز داشتن، از تعطیل و بیکارگی نجات دادن، و خرد را در امور زندگی به کار بستن. پس مراقبت دائمی از جوارح، از دل و از فکر و مغز، تقواست.

خیلی از کارهایی که ما می‌کنیم و لغزشهایی که از ما سر می‌زند، بر اثر عدم مراقبت است. خیلی از گناهان را ما با قصد قبلی انجام نمی‌دهیم؛ از خود غفلت می‌کنیم، زبان ما به غیبت و تهمت و شایعه‌پراکنی و دروغ آلوده می‌شود؛ دست ما و چشم ما هم همین طور. بنابراین غفلت است که ما را در بلا می‌اندازد. اگر مراقب چشم و زبان و دست و امضاء و قضاوت و نوشتن و حرف زدنمان باشیم، بسیاری از خطاها و گناهان بزرگ و کوچک از ما سر نمی‌زند. اگر مراقب دل خود باشیم، دچار حسد، بدخواهی، بددلی، کینه، بخل، ترسهای بی‌مورد، طمع به مال و منال دنیا و طمع به ناموس و مال دیگران در دل ما رسوخ نمی‌کند. این مراقبت در انسان، جاده‌ی نجات است. عاقبت نیک، در سایه‌ی این مراقبت به دست می‌آید؛ «و العاقبه للمتقین».

اگر این مراقبت در انسانی باشد، امکان گناه از او بسیار کم می‌شود. عدالت یک انسان هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد؛ استقامت یک انسان و یک ملت هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد؛ حق‌جویی و حق‌پویي هم از همین مراقبت سرچشمه می‌گیرد. این مراقبت و این تقوا مادر همه‌ی نیکی‌هاست؛ هدایت هم به خاطر این مراقبت ایجاد می‌شود؛ پیشرفت

دنیا و آخرت هم ناشی از همین مراقبت است. وقتی مراقبت کنیم، فکر ما هم بیکار نمی‌ماند؛ دل ما هم به راه کج نمی‌رود؛ جوارح و اعضای ما هم خطا و لغزش پیدا نمی‌کند یا کم پیدا می‌کند. دنیا و آخرت زیر سایه‌ی تقواست؛ این درس امیرالمؤمنین است. امروز ما به این درس نیاز داریم؛ نه فقط امروز، بلکه همیشه نیازمندیم؛ اما این مقطع زمانی برای ما مهم است.

دنیا و آخرت زیر سایه‌ی تقواست؛ این درس امیرالمؤمنین است. امروز ما به این درس نیاز داریم؛ نه فقط امروز، بلکه همیشه نیازمندیم؛ اما این مقطع زمانی برای ما مهم است.

ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده‌ی راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسانها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.

برای این که این کار تحقق پیدا کند، در درجه‌ی اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. بعد از آن که این حرکت عظیم را ملت

یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمی‌کند؛ فلسطینی باشند - نظر خواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته‌ی از آراء خود فلسطینی‌ها باشد، مورد قبول است و مسأله‌ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد.

مطلب آخری که عرض می‌کنم، مسأله‌ی هسته‌ی است. قبل از آن که من دو سه جمله درباره‌ی مسأله‌ی هسته‌ی توضیح بدهم، خدعه‌ی تبلیغاتی غربی‌ها، بخصوص امریکایی‌ها را درست تبیین کنم. در واقع دو خدعه‌ی تبلیغاتی داشتند، که اولین خدعه‌ی آنها این بوده که در تبلیغاتشان وقتی می‌خواهند راجع به مسأله‌ی هسته‌ی اظهار نظر کنند، می‌گویند ما با سلاح هسته‌ی در ایران مخالفیم و سلاح هسته‌ی یک خطر بزرگ است. گانه ایران دنبال سلاح هسته‌ی است و این حضرات هم با سلاح هسته‌ی مخالفند! اول امریکایی‌ها این را گفتند و انسان متأسفانه می‌بیند که بعضی از اروپایی‌ها هم همین حرف را تکرار می‌کنند. این یک خدعه است، خودشان هم می‌دانند که خدعه است. این حرف برای فریب دادن افکار عمومی خودشان است. اصلاً بحث سلاح هسته‌ی در ایران نیست. مسؤولان ما گفته‌اند، آحاد ملت ما هم همه قبول کرده‌اند؛ دولت‌ها گفته‌اند، بنده هم مکرر گفته‌ام که ما دنبال سلاح هسته‌ی نیستیم. اورانیومی که در ایران در این چرخه‌ی سوخت غنی می‌شود، بین ۳ تا ۴ درصد خواهد شد. برای بمب اتمی و سلاح هسته‌ی نود و چند درصد باید غنی‌سازی شود؛ فاصله اینقدر است. ما می‌خواهیم اورانیومی را که مال خود ماست، معدن خود ماست، با تجهیزاتی که متعلق به خود ماست، از کسی آن را وام نگرفته‌ایم، همین منت کسی نیستیم و بچه‌ها و جوانهای خودمان آن را به کار انداخته‌اند، در این تشکیلات، غنی‌سازی ۳ تا ۴ درصد بکنیم تا بتوانیم سوخت نیروگاه هسته‌ی بوشهر را - که فعلاً یکی نیمه تمامش را داریم - برسانیم. اصلاً بحث سر سوخت آن است. ما می‌خواهیم سوخت نیروگاه هسته‌ی مان را خودمان تولید کنیم. آنها می‌گویند خودتان تولید نکنید. برایتان نیروگاه بسازند، اما بیا بید سوختش را از ما بخرید! یعنی چه؟ یعنی وابسته بمانید. ملت ایران باید به قدرتهای تولیدکننده‌ی سوخت هسته‌ی وابسته

طول ۷۰ سال اشغال فلسطین، صهیونیست‌ها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب نشینتند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی‌ها بود. حادثه‌ی اول، عقب‌نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه‌ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بدانند، گروه‌های جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه‌ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند.

این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی‌ها بود...  
ملت فلسطین بدانند، گروه‌های جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه‌ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد.

نکته‌ی مهم دیگر این است که مسأله‌ی فلسطین با این عقب‌نشینی‌ها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم امریکا بدانند، هم صهیونیست‌ها بدانند، هم کسانی که حالت دلالی دارند و به شکل دلال دارند عمل می‌کنند، بدانند که مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. این که از یک قسمت عقب‌نشینی کنند، بعد قضیه تمام شود، این نمی‌شود. کسی بیاید خانه‌ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدتی یک اتاق کوچک را آن گوشه‌ی خانه به شما بدهد، بقیه‌ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر می‌شود چنین چیزی؟ فلسطین را گرفته‌اند؛ حالا ناچار شده‌اند از گوشه‌ی از فلسطین عقب‌نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که این جا را دادید، پس دیگر بقیه‌ی فلسطین مال شما! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مسأله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. مسأله‌ی فلسطین فقط یک راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینی‌های اصیل - چه آنهایی که داخل فلسطین هستند، چه آنهایی که در اردوگاه‌ها هستند، چه آنهایی که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه

عزیز ما انجام داد، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی - یعنی ترتیب اداره‌ی کشور، همان‌طوری که اسلام گفته است - در این کشور به وجود بیاورید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم‌سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسؤولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسؤولان - مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب می‌کنند. دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمانهای دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. برای این که آن مقصود - یعنی کشور اسلامی - به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه‌ی کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند؛ که من چند سال قبل عرض کردم که مرحله‌ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسؤولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور باایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی‌یی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه، همه‌ی اینها وجود دارد. نگویند اینها مربوط به هزار و چهارصد سال قبل است. این حرفهای تکراری و شبهه‌های صدها بار رد شده را بعضی‌ها باز تکرار می‌کنند. حقایق بشری و اصالت‌های بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند. انسانها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسؤولانی که نسبت به آنها وفادار باشند، در خدمت آنها باشند و برای آنها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ اینها که تغییرپذیر نیست. درس امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه ناظر به این چیزهاست. این

اصالتها و این ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین بیان می‌کند؛ ما آنها را می‌خواهیم؛ و الا ما که نمی‌گوییم اگر خواستیم از این شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیرالمؤمنین برویم؛ نه، حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله‌ی بسیار تندرتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می‌فرستادند، که دو ماه در راه بود؛ امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می‌زنید. اینها متغیرات است، اما عدالت و صلاح مسؤولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ این که تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدمهایی را که تا امروز بحمد... برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد.

من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و دلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هر کسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ جامعه پیش نخواهد رفت. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

امت اسلامی هم اگر با تقوا بود، می‌تواند در راه‌های دشوار حرکت کند؛ مشکلات در مقابل او زانو می‌زنند؛ او در مقابل مشکلات زانو نمی‌زند. به این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) توجه کنید: «من اخذ بالتقوی عزبت عنه الشدائد بعد دنوها»؛ اگر فردی - و من عرض می‌کنم اگر ملتی - تقوا را برای خودش جاده‌ی عمل قرار داد و متقی شد، شاید

تا بتوانند بیشتر به اشغال غیرقانونی و غیرمشروع خودشان ادامه دهند؟ آنها مسؤول و متهم‌اند. تروریست‌ها زیر چشم خود آنها دارند حرکت می‌کنند؛ ما اطلاع داریم؛ این دیگر حدس نیست. در بعضی از مرزهای عراق تروریست‌ها زیر چشم خود امریکایی‌ها - و شاید با کمک خود آنها - از این جا به آن جا منتقل می‌شوند؛ آن وقت می‌آیند بیخود ایران یا سوریه را متهم می‌کنند. ما ۱۳۰۰ کیلومتر با عراق مرز داریم؛ این مرزها را هم محکم گرفته‌ایم. البته در هر مرز محکمی ممکن است خروج غیرقانونی باشد. امریکایی‌ها بعد از سالهای متمادی هنوز نتوانسته‌اند مرزهای خودشان با مکزیک را ببندند؛ مرتب غیرقانونی افراد می‌آیند و می‌روند. بنابراین ممکن است غیرقانونی ترددی بشود، لیکن ما ایستاده‌ایم و نمی‌گذاریم. امنیت عراق، امنیت ماست؛ پیشرفت عراق برای ما یک دستاورد بزرگ است؛ ما این را می‌خواهیم. امیدواریم ملت عراق هر چه زودتر از محنتهایی که دچار آن شده است، نجات پیدا کند و این کشور ثروتمند از لحاظ طبیعی، بتواند به نقطه‌ی که شایسته‌ی آن است، برسد.

مطلب بعد، مسأله‌ی فلسطین است. عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از غزه بعد از ۳۸ سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب‌نشینی یک انتخاب نبود که رژیم

صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست روی همه‌ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و آنها را دارد تکان می‌دهد. بعضی از آنها قهر می‌کنند، بعضی‌شان اعتراض می‌کنند. چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل‌آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره‌ی نداشتند. عده‌ی می‌خواهند وانمود کنند که این عقب‌نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در

عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از غزه بعد از ۳۸ سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب‌نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود.

عراق حاکم باشد؛ ولی این طور نشد. ملت عراق همت کردند، مرجعیت همت کرد، نخبگان سیاسی عراق همت کردند و نگذاشتند این کار انجام بگیرد. کما این که امروز در تدوین قانون اساسی عراق هم دارند دخالت می‌کنند. امریکایی‌ها رسماً در تدوین قانون اساسی عراق دارند دخالت می‌کنند. به شما چه؟ بگذارید عراقی‌ها کارشان را بکنند. دخالت می‌کنند: فلان چیز باشد، فلان چیز نباشد.

البته امریکا در عراق شکست خورده؛ در این تردیدی نیست. خرج زیادی کردند، اما وعده‌هایشان هیچکدام تحقق پیدا نکرد؛ نفرت مردم عراق هم روزه روز به روز از آنها بیشتر شده. شاید امروز در کشور عراق هیچ عنصری منفرتر از جورج بوش نباشد. روزه به روز هم نفرت ملت عراق از امریکایی‌ها بیشتر می‌شود. این نفرت، مخصوص ملت عراق هم نیست؛ در دنیای اسلام، در سطح جهان، بلکه در خود امریکا اعتراض‌ها علیه دولت امریکا به خاطر مداخله‌ی نظامی در عراق روزافزون است. در داخل امریکا هم همین طور است. اعتراض‌ها کشیده شده به نخبگان سیاسی امریکا؛ تند و زنده به دولت خودشان اعتراض می‌کنند. نظرسنجی هفته‌ی گذشته در امریکا نشان داد که اکثر مردم امریکا مخالف مداخله‌ی امریکا در عراق و ماندن امریکا در این کشور و ادامه‌ی اشغال هستند. نتایج را منفی می‌دانند، که درست هم فهمیده‌اند. امریکا در عراق شکست خورده است. این هیاهوی ظاهری دلیل موفقیت نیست. متهم کردن این و آن هم مایه‌ی تبرئه‌ی از اتهام نیست که امریکایی‌ها ایران و سوریه را متهم می‌کنند که از مرزهای شما تروریست و مواد منفجره می‌آورند. اینها حرفهای بی‌معنا و مهملی است که تکرار می‌کنند. امنیت، دست آنها و زیر چشم آنهاست. کیست در دنیا که نداند گروههای تروریستی بی‌که به نام آنها امروز در عراق کاری انجام می‌گیرد، بعضی از آنها ساخته‌ی دست خود امریکایند؛ بعضی‌ها هم زیر نفوذ امریکایند؛ کیست که نداند اینها دارند در عراق اختلاف بین سنی و شیعه ایجاد می‌کنند؟ کیست که نتواند حدس بزند که اینها می‌خواهند نامنی باشد

البته امریکا در عراق شکست خورده؛ در این تردیدی نیست. خرج زیادی کردند، اما وعده‌هایشان هیچکدام تحقق پیدا نکرد؛

زندگی اگر نزدیک او هم رسیده باشد، از او دور خواهد شد. «و احولت له الامور بعد مرارتها»؛ تلخی‌های زندگی برای او شیرین خواهد شد. «و انفرجت عنه الامواج بعد تراکمها»؛ امواج طوفنده‌ی شاید زندگی، بعد از آن که متراکم شده باشند، از او دور خواهند شد و او بر امواج سوار خواهد شد. «و اسهلت له الصعاب بعد انصابها»؛ دشواری‌ها و سختی‌های زندگی بعد از آن که به سخت‌ترین مرحله رسیده باشد، برای او آسان خواهد شد.

واقع قضیه هم همین طور است. امروز ملت‌های مسلمان در مقابل زورگویی قدرتهای جهانی حرفی برای گفتن ندارند؛ نه علم لازمی، نه فناوری پیشرفته‌ی، نه در زمینه‌های گوناگون سیاسی مهارتی؛ چرا؟ چرا ما عقب ماندیم؟ چون تقوا را از دست دادیم. این همان شدتهایی است که با تقوا برطرف می‌شود.

شما ملت ایران در انقلابان تقوای الهی را رعایت کردید؛ در دفاع از این انقلاب و از کشور و از اصالت‌های اسلامی و دینی و ملی تان تقوای الهی را رعایت کردید؛ لذا امروز بحمد... به همان نسبت عزیزید. امروز عزت و اقتدار و عظمت ملت ایران در چشم مردم دنیا و دولتها و حتی دشمنانش با اکثر کشورهای اسلامی قابل مقایسه نیست؛ این به خاطر تقواست. هر چه کمبود داریم، به خاطر بی‌تقوایی است.

ایستادگی هم بر اثر تقواست. امیرالمؤمنین یکی از القابش «کرّار غیر فرّار» است. پیغمبر اکرم این لقب را به امیرالمؤمنین داد. این مخصوص میدان نظامی نیست؛ در همه‌ی میدان‌های انسانی امیرالمؤمنین کرّار غیر فرّار بود؛ یعنی مهاجم، مقتدر، دارای فکر و بدون عقب‌گرد. مواضع

دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

محکم، ایستادگی بر مبانی مورد قبول و مورد اعتقاد، از موضع تدافعی خارج شدن و نسبت به کجی‌ها و زشتی‌ها و بدی‌ها و ظلمها و بی‌عدالتی‌های دنیا در موضع تهاجمی قرار گرفتن؛ این همان صفت کَرّار غیر فرّار امیرالمؤمنین است. شما اگر به زندگی امیرالمؤمنین نگاه کنید، می‌بینید از اول تا آخر، زندگی آن بزرگوار این‌گونه است. علاج ما هم در همین است. مرحوم اقبال لاهوری می‌گوید:

می‌شناسی معنی کَرّار چیست این مقامی از مقامات علی است

امّتان را در جهان بی‌ثبات نیست ممکن جز به کَرّاری حیات

می‌خواهید زنده بمانید؟ می‌خواهید عزیز باشید؟ می‌خواهید در علم و عمل پیشرفته باشید؟ می‌خواهید جوانانتان سرافراز باشند؟ می‌خواهید فردایتان فردای روشنی باشد؟ باید استقامت داشته باشید. فعال، کَرّار، خستگی‌ناپذیر و دنبال‌کننده‌ی اهداف خود؛ آینده‌ی چنین ملتی روشن است. ملت ما خوشبختانه این راه را شروع کرد و تا امروز ادامه داده؛ منتها این راه استمرار لازم دارد.

می‌خواهید زنده بمانید؟ می‌خواهید عزیز باشید؟ می‌خواهید در علم و عمل پیشرفته باشید؟ می‌خواهید جوانانتان سرافراز باشند؟ می‌خواهید فردایتان فردای روشنی باشد؟ باید استقامت داشته باشید. فعال، کَرّار، خستگی‌ناپذیر و دنبال‌کننده‌ی اهداف خود؛ آینده‌ی چنین ملتی روشن است.

الان جوانها روی کار آمده‌اند. جوانهای عزیز من! نوبت شماست. جوانهای قبل از شما هر چه نفس داشتند، در این راه زدند و ما را به این جا رساندند؛ امروز نوبت جوانهای ماست. در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا، در میدان سیاست، در میدان کار برای مردم و خدمت، و در میدان شایستگی‌های گوناگون وارد شوید؛ خودتان را به صلاح و تقوا بیارید و پیش بروید.

حزب بعث بود؛ بنابراین هیچ وقت مردم در صحنه‌ی عراق نبودند. این اولین دولت مردمی است که در عراق دارد سر کار می‌آید. امریکایی‌ها این‌طور دوست نمی‌داشتند، اما ملت عراق و روحانیت پیشرو می‌خواستند و مرجعیت وارد میدان شد و بحمد... این قضیه پیش آمده است.

آرزوی ما رفاه مردم و آبادی و امنیت عراق است. از ناامنی‌هایی که در عراق اتفاق می‌افتد - کشتارهایی که روزانه در مسجدها، در حسینیه‌ها، در خیابان‌ها و اجتماعات رخ می‌دهد - و مردم بیچاره‌ی عراق را قربانی می‌کند، ما به شدت آزرده هستیم. کشتن مردم مظلوم جرم بزرگی است و فرقی نمی‌کند که این جرم را چه کسی مرتکب شود. مسلسل امریکایی‌ها هم که مردم عراق را قربانی می‌کند، مجرم است؛ عوامل بمب‌گذاری هم که اجتماعات مردم را منفجر می‌کنند و کودک و زن و مرد را می‌کشند، مجرمند. البته ما متهم اول این حوادث را امریکا می‌دانیم. چرا؟ چون تروریسم عراق زیر چشم امریکا است. هزاران نیروی نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و سیاسی از امریکایی‌ها امروز در همه جای عراق گسترده‌اند. اگر می‌خواستند ناامنی را در عراق از بین ببرند، می‌توانستند. بعضی‌ها معتقدند که فرایندی هم بر این اعتقاد وجود دارد که این ترورها کار خود سرویس‌های جاسوسی امریکا و صهیونیست‌هاست؛ چرا؟ چون نمی‌خواهند این دولت موفق شود. ناامنی بهانه‌ی ادامه‌ی اشغال است. چون ناامن

است، ما باید بمانیم؛ اگر برویم، ما متهم اول این حوادث را امریکا می‌دانیم. چرا؟ چون تروریسم عراق زیر چشم امریکا است. هزاران نیروی نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و سیاسی از امریکایی‌ها امروز در همه جای عراق گسترده‌اند. اگر می‌خواستند ناامنی را در عراق از بین ببرند، می‌توانستند.

است، ما باید بمانیم؛ اگر برویم، آسمان به زمین می‌آید! آنچه در عراق پیش آمده، چیزی نیست که امریکایی‌ها می‌خواستند. آنها یک دولت دست‌نشانده‌ی خودشان می‌خواستند؛ آنها می‌خواستند عراق به ظاهر حکومت مردمی داشته باشد، اما در باطن مزدور آنها بر

دمکراتیک، انتخابات این‌طوری نیست؛ انتخابات تابع صندوق‌های پول قدرتمندان و ثروتمندان و خواست آنهاست. این که نامزدی از دل مردم حرکت کند - بدون این که به بخشهای قدرت متصل باشد - بتواند با مردم حرف بزند، آراء مردم را جلب کند، حزبی دنبال او نباشد، جریان‌های سیاسی دنبال او نباشند، مردم خودشان فکر کنند و انتخاب کنند، در کمتر جایی از دنیا دیده می‌شود؛ این متعلق به شما مردم است؛ این یک نو شدن است؛ یک روز نو و یک افق جدید است؛ این بحمد... در کشور ما رخ داده است. البته مردم هم مشکلات زیادی دارند و منتظر هم هستند. اما من عرض می‌کنم با شناختی که از مردم دارم و با ارتباطات زیادی که در طول این سالها با متن مردم داشته‌ام، می‌دانم که مردم اهل انصافند؛ این‌طور نیست که حل مشکلات متراکم را در مدت کوتاهی بخواهند. بعضی‌ها در گوشه و کنار حرفی می‌زنند و یا چیزی می‌نویسند؛ اینها حرف آنهاست؛ حرف مردم نیست. بحمد... دست دولت باز است؛ اختیارات رئیس‌جمهور بسیار وسیع است؛ بودجه‌ی کشور هم در اختیار رئیس‌جمهور است. ان‌شاء... یک دولت قوی و کارآمد سر کار بیاید؛ با ایمان، با انگیزه، با تقوا، با مراقبت از خود، با نظارت مجلس و دستگاه‌های نظارتی، با قوانین پیشرفته و خوب، با قوه‌ی قضاییه‌ی حاضر یراق و آماده‌ی به کار در مقابل تخلفات، تا در مدتی که قانون به آنها فرصت داده است، بتوانند کارهایی را که به مردم وعده داده‌اند و در این مدت می‌شود انجام داد، انجام دهند؛ کارهای درازمدت را هم در این مدت پایه‌گذاری کنند.

مطلب دوم در مورد عراق است. ما از دولت عراق که یک دولت مردمی است، حمایت می‌کنیم؛ ملت عراق هم که برادران همیشگی ما هستند. دولت کنونی عراق که با رأی مردم سر کار آمده است، در طول تاریخ عراق، از اوّلی که خدای تعالی این منطقه را آفریده است تا امروز، سابقه نداشته است. هیچ وقت ملت عراق برای خودشان رئیس دولت انتخاب نکرده بودند و نداشتند. همیشه رئیس دولت مدتهای طولانی از طرف عثمانی‌ها می‌آمد؛ قبل از آن هم که به شکل دیگری بود و حکومت‌های مستبد قبلی سر کار بودند؛ بعد از آن هم سالهای متمادی دست انگلیسی‌ها بود؛ بعد هم دست احزاب چپ؛ آخری‌اش هم که صدام روسیاه و

من این جا یک جمله به معتکفین عرض می‌کنم. خوشا به حالتان معتکفین عزیز! پدیده‌ی اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است؛ ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم - آن هم فقط قم؛ در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم! - شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه اعتکاف می‌کردند. این پدیده‌ی عمومی؛ این که ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب همه جوان، جزو رویش‌های انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، اما رویش هم دارد؛ رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز! توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید؛ حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که این‌جا نشسته‌ایم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید.

پروردگارا! دل‌های ما را با باران رحمت و فضلت سیراب کن. پروردگارا! ما را از ظلمات بدانندیشی‌ها و بدکرداری‌های خودمان نجات بده. پروردگارا! ما را مؤمن و پرهیزگار - به معنای حقیقی کلمه - قرار بده. پروردگارا! ملت ما را آن‌چنان که شایسته‌ی اوست، سرافراز و سربلند و عزیز بگردان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قل هو الله احد. الله الصمد. لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد.

بسم...الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداه المهديين المعصومين سيما على امير المؤمنين و الصديقه الطاهره سيده نساء العالمين و الحسن و الحسين سيدي شباب اهل الجنة و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الخلف الهادي المهدي حججك على عبادك و امانتك في بلادك و صلّ على ائمة المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المؤمنين و استغفرا... لي و لكم.

در خطبه‌ی دوم ان شاء... چند مطلب لازم را مطرح می‌کنم و امیدوارم بتوانم آنچه را که در ذهن هست، در فاصله‌ی کوتاهی عرض کنم.

مطلب اول درباره‌ی دولت است. بحمد... انتخابات ملت ایران مایه‌ی آبروی کشور و عزت و سربلندی و اقتدار ملی شد. ملت ایران در این برهه، حرکت بسیار پرمعنایی را انجام دادند و آثار آن هم در دنیا ظاهر شد. کسانی که اهل سیاست و اهل اطلاع از جریان‌های جهانی هستند، خوب می‌فهمند که من روی چه چیزی دارم تکیه می‌کنم. ملت ایران قدرت خود، اراده‌ی خود، جهتگیری و ایستادگی خود را به دنیا نشان داد. امروز بحمد... دولت تقریباً در آستانه‌ی تشکیل شدن است. در مجلس، نمایندگان وظایف و حقوقی دارند؛ رئیس‌جمهور هم وظایف و حقوقی دارد. هر دو طرف باید به وظایف خود عمل کنند و از حقوق خود استفاده نمایند. البته باید بنا بر تفاهم باشد تا کار پیشرفت کند و کار کشور معوق نماند. بعد از تشکیل دولت هم ان شاء... مجلس و دولت بنا بر همکاری داشته باشند و وظایف خودشان را انجام دهند؛ منتها برادرانه. مجلس نظارت خود را بکند، محاسبه‌ی خود را بکند، سؤال خود را بکند - که اینها وظایف مجلس است و انتظار از مجلس همین چیزهاست و اینها کمک به دولت است - و دولت هم ان شاء... تلاش و حرکت خود را با قدرت و کفایت لازم انجام دهد. برای نیاز

دولت قانون بگذرانند تا دولت بتواند به وعده‌های خود عمل کند؛ دولت هم به امید خدا، با توکل به خدا و با پشتیبانی مردم بتواند خواسته‌های آنها را در حدی که برای او در مدت مشخص قانونی ممکن و مقدور است، عملی کند. بنده‌ی حقیر هم به عنوان خدمتگزار، از رئیس‌جمهور و از کلیت دولت مثل همیشه حمایت خواهم کرد. دأب بنده و قبل از من دأب امام عزیز و بزرگوار ما این بوده و هست و ان شاء... خواهد بود. ما از رئیس‌جمهور - که منتخب مردم است - حمایت می‌کنیم؛ از کلیت دولت حمایت می‌کنیم؛ از حقوق و مطالبات مردم هم حمایت می‌کنیم. برادران عزیز ما در دولت و رئیس‌جمهور محترمان - که بحمد... متکی به محبت و رأی مردم است - بعد از این که دولت تشکیل شد، وعده‌هایی را که به مردم داده‌اند، مرور کنند و به جد برای تحقق این وعده‌ها تلاش نمایند. مردم کسانی را که صادقانه عمل می‌کنند، می‌شناسند. سرعت عمل، خوب است؛ عجله و انفعال و شتابزدگی بد است. مبادا در مقابل برخی از کسانی که حرفها و مطالبات خودشان را به عنوان مطالبات مردم جا می‌زنند، دولت دچار انفعال شود؛ نه، کار خودشان را بکنند. مطالبات حقیقی مردم؛ همان چیزهایی که بحمد... در شعارها و اظهارات رئیس‌جمهور محترمان هم به صورت برجسته‌ی گفته و تکرار شده است، چیزهای خوبی است؛ مردم همین‌ها را می‌خواهند. دولت باید اینها را به جد، بدون دستپاچگی، با تدبیر درست، و در طول مدت مقرر و معقول دنبال کند.

ما از تأخیر انداختن کارها - که مثلاً یک کار پنج ساله را ظرف دوازده سال انجام دهند - همیشه گله کرده‌ایم. اگر بتوانند کار پنج ساله را در پنج سال انجام دهند، ما ممنونیم. کار پنج ساله را اگر توانستند در چهار سال انجام دهند، بیشتر ممنونیم. اما اگر بخواهیم کار پنج ساله یا چهار ساله را با سرهم بندی و عجله و شتابزدگی در مدت کوتاهی انجام دهیم، نه؛ این‌طور کاری را مردم نمی‌پسندند؛ بنده هم دنبال چنین چیزی نیستم. البته مسؤولان محترمان هم قطعاً نمی‌خواهند این‌طور عمل کنند. بنابراین امروز بحمد... افق روشنی جلوی چشم مردم وجود دارد.

انتخابات در کشور ما معنای واقعی خود را دارد. در خیلی از کشورهای به اصطلاح